

لطیفه‌های کودکانه

معلم: علی! چرا به گوش هایت باند بستی؟



معلم: علی! چرا به گوش هایت باند بستی؟

علی: اجازه آقا! داشتم اتو می کردم، یکهو تلفن زنگ زد. اشتباهی اتو را روی گوشم گذاشتم.

معلم: خب چرا آن یکی گوشت را هم بستی؟

علی: آخه، بعدش خودم می خواستم به کسی زنگ بزنم!

اولی: اگر گفتی چه طوری با دو تا چوب می شود آتش درست کرد؟

دومی: اگر یکی از آن دو چوب کبریت باشد کاری ندارد!

مردی وارد داروخانه شد: قرص اعصاب دارید؟

فروشنده: بله!

مرد: پس دو تا از آن بخورید. این یک سرقت مسلحانه است!

بیمار: دکتر، من فکر می کنم دو نفر شده ام.

دکت: خب، ده تا، بشنید ه بک، از شما قضیه ،ا تعریف کند.

اگر توی ماشین بجای بنزین ماست بریزیم آن وقت چی می شه؟

هیچی بابا فقط به جای بوق بوق می گه دوغ دوغ.